

خلاصه کتاب

تخت خوابت را مرتب کن

نویسنده: ویلیام هری مک راون

خلاصه شده توسط: حسین گازر

تهیه شده توسط تیم آموزشی رابینز



ملحق شد. آیا او می تواند با آن هیکل ظریف از عهده آن برآید؟ داخل دفتر ستوان شدم. او از تجربیات خود می گفت، ناگهان ساکت شد و مرد داخل راهرو را با فریاد به داخل دعوت کرد و زمانی که او را معرفی کرد ناخواسته از جا بلند شدم. او، آخرین تکاور یگان بود که مدال شجاعت گرفت. در دل به حماقت خودم خندیدم. او در سال ۱۹۶۹ در آستانه اخراج بود چون مربیان معتقد بودند قدش کوتاه و جثه اش لاغر است. اما او هم همانند آن تازه وارد ثابت کرد که سایز بدنشان مهم نیست بلکه سایز قلب شماست که تعیین کننده است.

درس چهارم: زندگی بیرحم است به مسیر خودت ادامه بده

طی آموزش های فیزیکی صبحگاهی مرتکب تخلف شده بودم. بنابراین تنبیه من این بود که ابتدا در برابر امواج بایستم سپس بر روی ماسه های ساحل غلت بزنم تا همه ی یونیفرم من همچون شیرینی شکری شود. در تمام آموزش هیچ کاری ناخوشایند تر از این نیست. نه به علت اینکه تمام بدن شما پر از ماسه شده، بلکه چون کاملاً بی منطق است. مربی از من پرسید: ((آیا میدونین چرا امروز صبح تبدیل به شیرین شکری شدین؟)) گفتم: ((خیر مربی مارتین.)) گفت: ((چون زندگی، بی رحمه و شما هر چه سریعتر این واقعیت رو بدونین برای خودتون بهتره.)) یک سال بعد، فرمانده مارتین، در حین دوپرخه سواری آسیب جدی دید و از کمر به پایین فلج شد. او سی و پنج سال گذشته را، بر روی صندلی چرخدار نشسته و حتی یک بار به دلیل این بد شانس شکایت نکرده است و هرگز نگفت چرا من؟ در حقیقت او پس از آن به یک نقاش چیره دست تبدیل شد و مسابقات مردان قورباغه ای را پایه گذاری کرد.

همه ما فکر می کنیم که محل زندگی و پرورش ما، رفتار والدین ما، مدرسه ای که رفتیم و عوامل دیگر تعیین کننده آینده ما هستند اما هیچ چیز جای حقیقت را نمی گیرد. زنان و مردان بزرگ به واسطه نوع برخوردشان با بی عدالتی های زندگی متمایز شده اند: نلسون ماندلا، هلن کلر و... پس دست از گله و شکایت بردارید و همه ی تقصیر ها را گردن سرنوشت نیندازید. به آینده چشم داشته باشید و به پیش بروید.

درس پنجم: شکست شما را قوی تر می کند.

هم تیمی شنا نزدیک ترین فرد به شما در تمام دوره آموزش است. شما در یک تیم هستید و هر شکست به پای نفر دوم هم نوشته می شود. ما تمرین مسافت را به پایان رساندیم و آخرین نفر به ساحل برگشتیم. مربی گفت: ((فکر نکنم شما آقایان بتونید وارد نیروی دریایی بشین. اسمتونو توی لیست سیرک نوشتم، اگه یه هفته دیگه دووم

بیارید شانس آوردید.) سیرک هر روز عصر بود که شامل دو ساعت حرکات سخت همراه با آزار و اذیت مربیان بود. سیرک فقط برای تنبیه است. بعد از سیرک ما توان راه رفتن نداشتیم: شکست بهای سنگینی دارد. با آنکه سیرک به عنوان تنبیه بود ولی باعث شد ما قوی تر و سریع تر شنا کنیم. در برنامه نهایی که برای شنا برگزار شد، ما با اختلاف اول شدیم. ما موفق شده بودیم و چند روز بعد هم فارغ التحصیل شدیم. شما نیز در زندگی با سیرک های متعددی مواجه خواهید شد. اما اگر پشتکار داشته باشید، این سیرک ها باعث پیشرفت شما خواهند شد.

در سال ۱۹۸۳ از خدمت در اسکادران اخراج شده بودم چون سعی کرده بودم شیوه سازماندهی را تغییر دهم. با این حال به من اجازه داده شد تا در یک تیم دیگر در نقطه ای دور افتاده در خارج کشور فعالیت کنم. از این فرصت استفاده کردم تا نشان دهم هنوز هم قدرت رهبری دارم. ماه های متوالی تلاش کردم تا برتری خود را اثبات کنم. اگر چه همیشه بهترین نبودم ولی دست از تلاش برای بهترین بودن بر نداشتیم. اکنون می دانم که شکست های گذشته ام مسبب قدرتمند شدن من هستند.

درس ششم: نیاز به جسارت بالا دارید

در امتحان، با اینکه تکنیک من برای فائق آمدن بر چالش طناب کند بود اما نتوانسته بودم خودم را راضی کنم با سر از طناب سر بخورم تا سریعتر برسم. مربی گفت: ((آقای مک این مسیر عبور از موانع می تونه هر بار تو رو شکست بده مگر اینکه ریسک کنی.)) یک هفته بعد، تمام ترس هایم را کنار گذاشتم و با سر، سر خوردم و توانستم با بهترین رکورد عبور کنم. اعتماد بر قابلیت های فردی برای انجام بهتر کارها چندان دشوار نیست. این درس مهم همیشه به من کمک کرده است.

اولین عملیات نجات گروگان من به عنوان فرمانده، جسورانه ترین بود چون گروه نجات می بایست با هلیکوپتر داخل محوطه دشمن فرود می آمد. در جایی با مساحت کم سه هلیکوپتر مجبور به نشستن بود. قطعاً فرود دشواری بود ولی عملیات با موفقیت انجام گرفت: شهادت برای خطر کردن نتیجه مطلوب داشت. طی یک دهه بعد دریافتم که ریسک پذیری جزو لاینفک نیروهای ویژه است. آنها همه محدودیت های خود و سلاح هایشان را درهم شکسته تا موفق شوند. شعار اینست: کسی که شهادت دارد برنده می شود. زندگی یک کشمکش دائمی است اما کسانی که با ترس از شکست زندگی می کنند، هرگز نمی توانند به ظرفیت های واقعی خود برسند. بدون نشان دادن جسارت هرگز نخواهید دانست که حقیقتاً چه مواردی در زندگی شما امکان پذیر است.